



قاسمی، افسانه (۱۳۹۸). تجربه زیسته و ادراک شده دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی (تحصیلات تکمیلی گروه علوم انسانی دانشگاه‌های تهران). جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۳)، ۹۵-۱۲۶.

تجربه زیسته و ادراک شده دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی (تحصیلات تکمیلی گروه علوم انسانی دانشگاه‌های تهران)

افسانه قاسمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۷

چکیده

در این پژوهش که با روش استقرایی و اکتشافی انجام شد تجربه زیسته دانشجویان و ادراک آنها از فرهنگ دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. روش پژوهش کیفی و از نوع نظریه‌پردازی داده‌محور می‌باشد. تکنیک گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته بود که با ۲۴ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های تهران، شهیدبهشتی، الزهرا (س)، تربیت مدرس و علامه طباطبایی صورت گرفت. انتخاب نمونه‌ها بر اساس نمونه‌گیری نظری و حصول اشباع نظری بود. روش تحلیل داده‌ها نیز کدگذاری بوده که از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. حاصل تحقیق ۸۲ مفهوم یا زیرمقوله و ۱۹ مقوله محوری و یک مقوله هسته بود. دانشجویان فرهنگ دانشگاه‌های تهران را در قالب مفاهیمی چون فرهنگ محافظه‌کارانه، فرهنگ مدرک‌گرایی، فرهنگ فردگرایی، فرهنگ ناامیدی، فرهنگ پرولتاریایی، فرهنگ ستایشگرانه، فرهنگ تابعیت، غلبه فرهنگ مردانه، رابطه‌گرایی، تجاری شدن علم توصیف کردند. آنها معتقد بودند که عواملی چون آموزش ناکارآمد در مقاطع مختلف تحصیلی، اساتید، فرهنگ جامعه، فرهنگ خانواده و نبود امنیت شغلی از دلایل اصلی فرهنگ دانشگاهی حاکم بر دانشگاه‌ها است و پیامدهای این فرهنگ غالب را فرار مغزها، رکود علمی، وابستگی، هدر رفتن منابع کشور، افزایش اختلالات روانی دانستند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ دانشگاهی؛ دانشجو؛ نظریه زمینه‌ای.

۱- مقدمه و بیان مسأله

دانشگاه همواره به عنوان یک مکان مقدس معرفی شده است که اعتبار آن به توانمندی‌های علمی و حرفه‌ای این مجموعه است. توانمندی‌ای که در دو بخش کالاهای علمی و رفتار علمی نمود پیدا می‌کند. اگر دانشگاه را یک سازمان در نظر بگیریم، مطابق آنچه که در رابطه با هر سازمانی مطرح می‌شود، دانشگاه نیز دارای مجموعه ارزش‌ها، هنجارها، باورها و الگوهای است که فرهنگ سازمانی خود را شکل می‌دهد که کارکرد آن افزایش قابلیت واکنش اعضا در برابر مسائل مربوط به انطباق بیرونی و یکپارچگی درونی است (رابرت. بی، ۱۳۸۱: ۷۳). فرهنگ دانشگاهی نیرویی است که اعضای خود را به هم پیوند می‌دهد و به عملکرد آنها معنا و جهت می‌بخشد و رفتار آنها را با ارزش‌های حاکم بر این فضای علمی هماهنگ می‌سازد. آنچه فرهنگ دانشگاهی تلقی می‌شود باید خود را در رفتار دانشگاهی نشان دهد (زاهدی اصل، ۱۳۸۷: ۹۲). که در نهایت باید به توسعه در ابعاد مختلف منجر شود چرا که «در هر جامعه‌ای فرهنگ دانشگاهی یکی از عوامل مؤثر توسعه علمی است» (فاضلی، ۱۳۸۷: ۸۳-۹۰).

از نقش‌ها و وظایف فرهنگ دانشگاهی مواردی مانند نوعی احساس هویت و تعهد در اعضای دانشگاهی بوجود می‌آورد، باعث افزایش بهره‌وری و کارایی اعضای سازمان می‌شود، توسعه و بالندگی علمی در اعضای هیئت علمی و دانشجویان ایجاد می‌کند و باعث افزایش خلاقیت، نوآوری و تفکر انتقادی در مدیران، کارکنان و اعضای هیئت علمی و دانشجویان می‌شود (صباغیان، ۱۳۸۸: ۷۰-۷۱) است اما پژوهش‌های صورت گرفته درباره فرهنگ و نظام دانشگاهی در ایران نتایج تأمل‌برانگیزی به دست داده‌اند که این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا فرهنگ دانشگاهی غالب در ایران می‌تواند به وظایفش جامه عمل بپوشاند؟ یافته‌های پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴)، کاظمی (۱۳۹۷)، فاضلی (۱۳۸۲)، زاهدی اصل (۱۳۸۸)، امین اسماعیلی و خلیلی (۱۳۸۱)، طایفی (۱۳۷۹) درباره آموزش عالی و فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران نشان از ویژگی‌ها و ارزش‌هایی است که نمی‌تواند به دانشگاه‌ها برای رسیدن به اهدافشان یاری رساند. تحقیقات صورت گرفته در ایران نشان می‌دهند که تنگناهایی در نظام آموزش عالی ایران وجود دارد که می‌تواند حماسه‌آفرینی در دانشگاه‌های ایران را دشوار سازد. به نظر می‌رسد فرهنگی در دانشگاه‌های ایران حاکم است که در جهت مخالف یک فرهنگ دانشگاهی کارآمد عمل می‌کند این در حالی است که قرار است «دانشگاه خلاق‌ترین و شایسته‌ترین نیروهای جوان را جذب کند و با تربیت آنان در کنار دیگر نهادها و سازمان‌ها چرخ جامعه را در مسیر رشد و آبادانی به حرکت در آورد» (محدثی گیلوایی، ۱۳۹۷: ۱۱).

فرهنگ دانشگاهی اقتدارگرایانه، غیرمشارکتی، تک صدایی، منفعل، تقلیدگرا، غیرنقدانه و... نمی‌تواند دانشجویانی با تخصص و توانایی علمی بالا به جامعه تحویل دهد. لذا سوالی که پیش می‌آید این است که اگر فرهنگ دانشگاهی ما بر اساس مطالعات انجام شده فرهنگی اقتدارگرا، غیرمشارکتی و غیره است، افرادی که در این نظام به سر می‌برند چه ادراکی از فرهنگ حاکم بر آن دارند؟ از آنجا که فرهنگ دانشگاه اساس شکل‌دهی به هویت دانشجویان است و زمینه‌های لازم برای تولید علم در دانشگاهها از طریق فرهنگ دانشگاهی غنی و دانشجویانی توانمند صورت می‌گیرد ضرورت پرداختن به فرهنگ حاکم بر دانشگاههای ایران مشخص می‌گردد. با بررسی‌ها و شناسایی فرهنگ حاکم بر دانشگاهها و بررسی ادراک دانشجویان از این فرهنگ می‌توان زمینه‌های تغییر در این فرهنگ را فراهم نمود. تغییر در فرهنگ دانشگاهی نیازمند سیاستگذاری‌های مناسب است که برای انجام سیاست‌گذاری‌های مناسب و کارآمد نیز به پژوهش و شناخت فرهنگ دانشگاهی نیاز است. در حالی که اگر به امر فرهنگ دانشگاهی توجه نماییم و آن را از دیدگاه ارکان مختلف دانشگاه (اعم از دانشجویان، اساتید و...) بررسی نکنیم و شناخت لازم و کافی از فرهنگ موجود کسب نماییم توسعه علمی و در نهایت توسعه و پیشرفت جامعه با موانع اساسی روبرو خواهد شد.

همچنین ضرورت این مطالعه از آنجا ناشی می‌شود که در جامعه ایران پژوهش‌های کیفی اندکی درباره فرهنگ دانشگاهی ایران صورت گرفته است. پژوهش‌هایی که به بررسی فرهنگ دانشگاهی ایران از دیدگاه دانشجویان که یکی از ارکان اصلی دانشگاهها هستند صورت گرفته باشد وجود ندارد. لذا این کمبود کاملاً احساس شده و ضروری است که به این مسأله توجه داشته باشیم که ادراک دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنند بر عملکرد علمی و آکادمیک آنها و در نهایت رشد و پیشرفت جامعه تأثیر فراوانی دارد. لذا باید ادراک دانشجویان از دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنند را بررسی نماییم و نسبت به آن شناخت حاصل نماییم تا بتوانیم سیاستگذاری‌های بهتری برای بهبود وضعیت جامعه انجام دهیم. لذا هدف پژوهش پاسخ دادن به سوالات زیر است:

- ۱- دانشجویان چه ادراکی از فرهنگ دانشگاهی دارند؟
- ۲- علل و عوامل مؤثر بر ادراک دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی موجود دانشگاههای تهران چیست؟
- ۳- دانشجویان پیامدهای فرهنگ دانشگاهی حاکم بر دانشگاهها را چه می‌دانند؟
- ۴- دانشجویان چه استراتژی‌هایی را در ارتباط با فرهنگ دانشگاهی ادراک شده اتخاذ می‌کنند؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

ذاکرسالحي (۱۳۹۷) مشکلات دانشگاه‌های ایران را ناشی از پیگیری الگوی ناپلئونی می‌داند. این الگو به معنای دانشگاهی آموزش‌محور، متمرکز، سلسله‌مراتبی، مدرک‌محور و دولتی است که مدیران و سیاست‌گزاران آن از سوی دولت منصوب می‌شوند. وی معتقد است که الگوی ناپلئونی در ایران دچار تغییراتی شده ولی کلیت و پلتفرم آموزش عالی ایران هنوز ناپلئونی است که به صورت بدقواره و توده‌ای نیز شده و مشکلات مضاعفی را ایجاد کرده است. وی معتقد است که فرهنگ دانشگاهی ناقصی در ایران وجود آمده است که ویژگی‌هایی مانند ثبات و تغییر، تعارض و شکاف نسلی استادان، تنش بین سه فرهنگ علمی، مدیریتی و اپراتوری، پیروی از الگوی ناپلئونی و سیال بودن مفهوم فرهنگ و ایده دانشگاه.

کاظمی (۱۳۹۷) نیز چهار مولفه چرخش اقتصادی در مسائل دانشگاهی، بسط کارکردهای اجتماعی دانشگاه، افول سواد عمومی و فرهنگی دانشگاهیان و در نهایت رواج الگوهای تفریحی-شادباشانه فراغتی به جای الگوی نخبه‌گرایانه را از تحولات دانشگاه در دهه ۹۰ می‌داند. وی همچنین معتقد است که در حال حاضر دانشگاه عمدتاً ایفاگر نقش جبران شده است. جبران به دو معنا: معنای اول «تسکین» است یعنی عمدتاً نقش درمانگری و تسکین‌بخشی دردهای متفاوت آدم‌ها را در زندگی اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند. جبران به معنای «عوض». در این معنا دانشگاه به جبران کسری فضاهای عمومی موجود برای نسل جدید می‌پردازد و خود را در حد فضای کافه و پارتی تقلیل می‌دهد. کاظمی همچنین تأکید می‌کند که این نوع فرهنگ دانشگاهی باعث تولید دانشجویان بیکاری می‌شود که تبدیل به پرولتاریایی برای انجام فعالیت پژوهشی برای سازمان‌ها، موسسات مختلف می‌شوند.

فراستخواه (۱۳۹۶) نیز معتقد است که عمق، کارایی، نفوذ و اثرگذاری در آموزش‌های دانشگاهی ایران مناقشه‌برانگیز شده است. وی دلایلی برای این وضعیت ذکر می‌کند که عبارتند از: شیوع مدرک‌گرایی بر اثر سیاست‌های نادرست، حافظه‌مداری در نظام آموزشی، وسوسه‌های بنگاه‌داری نامعقول در مدیریت‌های دانشگاهی، کالایی شدن بی‌رویه آموزش عالی، تلقی نادرست از مجازی شدن، سیطره امر انبوه و توده‌وار، رشد بی‌ضابطه کمی به رغم نقائص جدی در معیارهای کیفی، کاهش شاخص اقامت در پردیس، تضعیف نهادینه هیأت علمی در کشور، آثار تمرکزگرایی و مشکلات مربوط به آزادی آکادمیک و استقلال دانشگاهی.

ممنون، عدلی و صمدی (۱۳۹۶) نقش فرهنگ دانشگاهی بر سهیم‌سازی دانش میان اعضای هیات علمی دانشگاه الزهرا را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که فعالیت‌های سهیم‌سازی دانش میان اعضای هیات علمی دانشگاه الزهرا (س) ضعیف است و مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی در محیط دانشگاه دارای ضعف‌های اساسی است و مانع فعالیت‌های سهیم‌سازی دانش هستند.

امین مظفری، عباس‌زاده و رضایی فرهادآباد (۱۳۹۴) به بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی در دانشگاه تبریز پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن بود که تفاوت میانگین فرهنگ دانشگاهی حاکم بر دانشکده‌های مختلف دانشگاه تبریز معنادار بود. همچنین مشخص گردید که فرهنگ مشارکت‌پذیر با ویژگی‌های بارزی همچون تولید و تفسیر دانش، پژوهش‌های مورد حمایت هیأت علمی، آزادی عمل دانشگاهی، امکان مطالعه استادان در حوزه تخصصی خود، تسلط عقلانیت، استقلال و فرهنگ حاکم بوده است.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴) نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش‌آفرینی را از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی مورد بررسی قرار دادند. آنها مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی را در ده موضوع دسته‌بندی کردند که عبارتند از: استقلال دانشگاهی، آزادی علمی، اخلاق حرفه‌ای، مدیریت، ارتباطات، مشارکت و کار گروهی، فرهنگ یادگیری، اعتماد بین اعضا، نظام پاداش-دهی و ارزیابی. مشارکت‌کنندگان در پژوهش وضعیت این مؤلفه‌ها را ضعیف و نامناسب توصیف کردند. مؤلفه‌های دانش‌آفرینی نیز در هشت موضوع شناسایی شد که عبارت بود از: روحیه جست و جوگری، رعایت اخلاق حرفه‌ای، مدیریت مشارکتی، نظام پاداش، اعتماد بین اعضا، اهمیت دادن به کار گروهی و تیمی، آزادی علمی و فرهنگ یادگیری. یافته‌های پژوهش نشان داد که از دید صاحب‌نظران فرهنگ دانشگاهی ایران با مؤلفه‌های دانش‌آفرین فاصله نسبتاً زیادی دارد و همچنین بین بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی و دانش‌آفرینی همپوشی وجود دارد.

ذاکر صالحی و نظریان (۱۳۹۳) جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم را در زندگی دانشجویی مورد بررسی قرار دادند. نتیجه مطالعه نشان‌دهنده عدم کنشگری دانشجویان در عرصه تولید و مصرف علم، عدم تمایز جدی پردیس با سایر محیط‌های جوانان، ضعف سنت‌ها، اسطوره‌ها، ارزش‌ها، عادات، آیین‌ها و دستاوردهای آکادمیک در زندگی دانشجویی می‌باشد. همچنین بیانگر ضعف شکل‌گیری اجتماع علمی و هنجارهای آن و نیز دغدغه‌های دانشجویان عمدتاً فردی و تماشاگرانه و منفعل و غیرایدئولوژیک است.

قانعی راد، ملکی و محمدی (۱۳۹۳) دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی را در بین اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران مورد بررسی قرار دادند. آنها با روش کیفی با ۳۴ نفر از اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام دادند که نتایج این پژوهش نشان داد بی‌هنجاری فرهنگ تولید و انتقال دانش در دانشگاه‌ها وجود دارد.

زاهدی اصل (۱۳۸۸) به بررسی و شناخت فرهنگ دانشگاهی و اخلاق حرفه‌ای در اسناد و منابع مکتوب از یک سو و از منظر اعضای هیأت علمی از سوی دیگر پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که جمعیت مورد بررسی تلقی منسجم و تعبیر روشنی از مفاهیم اخلاق حرفه‌ای، فرهنگ دانشگاهی و مصادیق هر یک از آنها ندارد.

فاضلی (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی در ایران و بریتانیا پرداخت که نتایج زیر به دست آمد: در بریتانیا، آموزش مردم، جامعه‌محور و همچنین دانش‌جو محور است این در حالی است که در ایران آموزش و پرورش دولت/ نخبه‌محور و استادمحور است. در بریتانیا سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی شامل رشته‌ها، موضوعات و پژوهش‌ها بر مبنای تقاضای اجتماعی و در فرآیند عرضه و تقاضا و از پایین به بالا شکل می‌گیرد. این در حالی است که در ایران رشته‌ها و دوره‌ها بر مبنای برنامه‌ریزی متمرکز دولت و از بالا به پایین تعیین می‌گردد. در حالی که آموزش در بریتانیا مشارکتی، دموکراتیک، چند صدایی، گفتگویی، مبتنی بر یادگیری فعال و بازتابی است، آموزش در ایران اقتدارگرایانه، غیرمشارکتی، تک-صدایی، و یادگیری منفعل، ایستا و غیربازتابی است. آموزش در بریتانیا مبتنی بر حفظ و ملاحظه استقلال، فردیت و مبتنی بر روش خوداتکایی دانشجو بوده و استاد و نظام آموزشی تنها نقش "تسهیل‌گر" و مشاور و راهنما دارد. این در حالی است که در ایران آموزش دانشگاهی فاقد چنین ویژگی‌هایی بوده و دانشجو و علائق و فردیت او نقش ثانویه در آموزش دارند. در حالی که علم در دانشگاه‌های غربی/ انگلیسی مقوله‌ای اجتماعی و تعاملی است، در نظام دانشگاهی ایران، علم محصول و مقوله‌ای شناختی است. آموزش عالی در بریتانیا، انتقادی و تحلیلی بوده اما در ایران توصیفی و ستایشگرانه است و آموزش عالی ایران کمتر اجازه‌ی رشد تفکر انتقادی و تحلیلی را به عضو اجتماع علمی و دانشجویی می‌دهد. آموزش عالی در بریتانیا دارای استقلال نهادی است، این در حالی است که در ایران تفکیکی نهادی بین نهادهای مختلف وجود ندارد.

شن و تیان (۲۰۱۲) معتقدند که فرهنگ علمی دانشگاه‌ها شامل چشم‌انداز آکادمیک، روحیه آکادمیک، اخلاق آکادمیک و محیط‌های آکادمیک است. فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌ها با فردیت، ویژگی‌های علمی، باز بودن، تنوع و خلاقیت مشخص می‌گردد. فرهنگ

دانشگاهی، توسعه فرهنگ دانشگاهی را مقید و محدود می‌نماید. از استراتژی‌های مناسب برای فرهنگ دانشگاهی به قرار زیر هستند: دانشگاه باید مأموریت خود را به انجام برساند، اعتماد و آگاهی فرهنگی را افزایش دهد، فرهنگ را با فرآیند کشف استعداد ادغام نماید، توسعه فرهنگی و نوآوری را ارتقا دهد.

پاتل^۱ (۲۰۱۲) وضعیت فرهنگ دانشگاهی هند و ارتباط آن با زمینه‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. وی معتقد است که عملکرد موثر یک دانشگاه در میزان دستیابی به اهداف دانشگاهی با ارزش‌های سیستم و مجموعه‌های حمایتی در ارتباط است. وی همچنین بیان می‌کند که محیط اجتماعی غالب بر نهادهای آکادمیک، فرهنگ دانشگاهی مناسبی را برای اجتماع دانشگاهی هند فراهم نمی‌سازد.

والیما^۲ (۲۰۰۸) ۲۴۷ مقاله منتشرشده در نشریه معتبر آموزش عالی در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ را بررسی کرد و نشان داد که ۹۳ مقاله (برابر با ۳۴ درصد) ناظر بر دیدگاه‌های فرهنگی در آموزش عالی است. بر اساس این، هفت گونه مطالعه ناظر بر دیدگاه فرهنگی در آموزش عالی و دانشگاهها بر حسب موضوع مطالعه شناخت شد که عبارتند از: فرهنگ سازمانی دانشگاه، فرهنگ رشته‌های دانشگاهی، فرهنگ دانشجویان، فرهنگ آموزش عالی در سطح ملی، مطالعات تطبیقی، مطالعات ناظر بر فرایندهای تغییر، فرهنگ به عنوان یک دیدگاه کلی در آموزش عالی (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰).

برینت^۳ و همکاران (۲۰۰۸) فرهنگ دانشگاهی را بین دو دسته دانشجویان در دانشگاه کانادا بررسی نمودند. آنها دو فرهنگ تعامل را بین دانشجویان شناسایی نمودند. نتایج نشان داد که فرهنگ تعامل در میان دانشجویان هنر، علوم انسانی و علوم اجتماعی مبتنی بر تعامل، مشارکت و علاقه به ایده‌ها است اما فرهنگ تعامل در علوم طبیعی و مهندسی بر بهبود مهارت‌های کمی از طریق مطالعه مشترک برای پاداش در بازار کار متمرکز بود. همچنین نتایج نشان داد که دو فرهنگ متفاوت تعامل به شدت به برنامه‌های تحصیلات تکمیلی مرتبط است.

موایس و سیناترا^۴ (۲۰۰۸) فرهنگ‌های دانشگاهی و اعتقادات معرفت‌شناختی را بین دانشجویان دانشگاههای سیمون فریزر کانادا و دانشگاه نوادا و لاس وگاس در آمریکا را بررسی نمودند. نتایج نشان‌دهنده الگوهای تفاوت فرهنگی در اعتقادات معرفتی دانشجویان دانشگاه

1- Patel

2- valima

3- Briant

4- Muis & Sintra

کانادا و آمریکا بود. نتایج نشان داد که دانشجویان دانشگاه سیمون فریزر اعتقادات معرفت-شناختی سازنده‌تری دارند. محتوای درس و تحلیل برنامه‌های درسی و مشاهدات نشان‌دهنده شباهت‌هایی در دو دانشگاه بود اما طراحی دوره‌ها متفاوت بود. دانشجویان سیمون فریزر در جلسات آموزشی سازنده شرکت می‌کردند.

بگلر و کرمر^۱ (۱۹۹۹) جامعه‌پذیری اعضای هیأت علمی دانشگاه نسبت به فرهنگ و هنجارهای دانشگاهی را مورد بررسی قرار دادند. آنها با گروهی از اعضای هیأت علمی تازه‌کار و ارشد هشت دانشکده در یک دانشگاه تحقیقاتی مصاحبه عمیق انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که اعضای هیأت علمی بیشتر این موارد را در دانشگاه تجربه می‌کنند: انزوا و تنهایی، انتظارات، هویت حرفه‌ای، نزاع‌ها و معضلات و مالکیت.

پژوهش‌های مختلفی که درباره فرهنگ دانشگاهی دانشگاه‌های کشور صورت گرفته نشان‌دهنده ضعف اساسی در فرهنگ دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران است. این پژوهش‌ها در سالهای مختلف این ضعف را نشان می‌دهند. اما شاید نکته‌ای که باید مورد تأکید قرار گیرد این است پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی آموزش عالی و فرهنگ دانشگاهی در جامعه ایران صورت گرفته است نه تنها نشان‌دهنده ضعف فرهنگ دانشگاهی ایران است بلکه پژوهش‌های جدیدتر نشان‌دهنده تغییر در فرهنگ دانشگاهی ایران است. چنانچه کاظمی معتقد است که فرهنگ دانشگاهی در ایران به سوی فرهنگ تفریحی تغییر کرده است. این در حالی است که اهدافی که برای دانشگاه‌ها برمی‌شمارند در خارج از چارچوب این نوع فرهنگ محقق می‌شود. تحقیقات خارجی نیز نشان دادند که فرهنگ دانشگاهی در کشورهای مختلف تحت تأثیر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی تغییر کرده که این امر نشان می‌دهد که جوامع با ایجاد تغییراتی در سطوح مختلف جامعه می‌توانند فرهنگ دانشگاهی‌شان را تقویت یا تضعیف نمایند. باید متذکر شد که پژوهش‌هایی که در جامعه ایران درباره فرهنگ دانشگاهی صورت گرفته بیشتر تحلیل‌های تئوریک و پژوهش‌های کمی است که جای خالی پژوهش‌های کیفی کاملاً احساس می‌شود. خصوصاً پژوهش‌های کیفی که جمعیت مورد بررسی آن دانشجویان کشور باشد. دانشجویان به عنوان یکی از ارکان اصلی دانشگاه‌ها می‌توانند ادراک ملموس و عینی از فرهنگ و خرده-فرهنگ‌های دانشگاهی دانشگاه‌های ایران به دست دهند که نباید مورد غفلت واقع شود.

۲-۲- پیشینه نظری

ظهور مفهوم فرهنگ در پژوهش آموزش عالی در علایق عالمان اجتماعی به فرهنگ سازمانی ریشه دارد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۹۹). شروع مطالعات فرهنگ دانشگاهی را می‌توان در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و همزمان با مطالعات دانشمندان علوم اجتماعی در حوزه فرهنگ سازمانی مشاهده کرد. به گونه‌ای که مقوله فرهنگ دانشگاهی به عنصری حیاتی در مدیریت آموزش عالی تبدیل شد (فریرا^۱، ۲۰۰۷ به نقل از ذوالفقارزاده و همکاران: ۱۳۹۰: ۴۶).

فرهنگ دانشگاهی سیستمی از باورها و ارزش‌های مشترک است که داخل دانشگاه گسترش می‌یابد و رفتار دانشجویان، کارکنان، اعضای هیئت علمی و مدیران را هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، فرهنگ دانشگاهی، استنباط مشترکی است بین همه اعضای دانشگاه نسبت به سازمان خود؛ از این رو فرهنگ دانشگاهی را می‌توان یک نظام فکری دانست که در گفتار، رفتار و عملکرد جامعه دانشگاهی متجلی می‌شود و به بیان دیگر فرهنگ دانشگاهی بیانگر شیوه و سبک زندگی اعضای دانشگاه است (صباغیان، ۱۳۸۸: ۶۶). فرهنگ دانشگاهی منشأ سبکی از زندگی، حس هویت و اخلاق و منش و کنش انسان آکادمیک می‌شود. فرهنگ دانشگاهی در فضای معنایی و نمادین خود، روال‌ها و قواعد الگوهای اجتماعی و تعاملی متمایزی را پرورش می‌دهد که حتی به صورت‌های آیینی و مراسمی ظاهر می‌شوند. به عنوان مثال استقلال دانشگاهی و آزادی علمی از جمله معانی و ارزش‌های مشترک دانشگاهی است همانطور که عام-گرایی و شکاکیت و تفکر انتقادی و اصالت و صداقت در کار علمی از قواعد هنجاری آن محسوب می‌شود (فراستخواه، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

تیرنی^۲ فرهنگ را نوش‌داروی تمام مسائل سازمان دانشگاه نمی‌داند اما تأثیر آن را در تصمیم‌گیری و عملکرد سازمانی دانشگاه زیاد می‌داند (تیرنی، ۱۹۸۸ به نقل از ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۲). فرهنگ آکادمیک دانشگاه، فرهنگی سطح بالا است که عمدتاً به شناخت دنیای ناشناخته، کاوش حقیقت عینی، عرضه روش‌شناسی، دیدگاه دنیای علم، فن و دانش جدید می‌پردازد تا انسانها بتوانند دنیای عینی را درک و اصلاح کنند. دستاوردهای فرهنگ آکادمیک نیز عناصری مانند جهان‌بینی، روش‌شناسی، نظریات علمی، هنجار رفتاری، فناوری پیشرفت و نیز دیدگاه آکادمیک، فضای آکادمیک و جو آکادمیک هستند. به نظر وی در تعارض بین این دو فرهنگ، فرهنگ دانشگاه، توسعه فرهنگ آکادمیک را مقید و محدود می‌کند. محدودیت‌ها اغلب از سه جهت اعمال می‌شوند: محدودیت از سوی افراد، محدودیت از سوی

1- Ferreira

2-Tierney

محیط‌های انسانی دانشگاه و محدودیت از سوی شرایط مادی (چن و تیان، ۲۰۱۲: ۶۴). بر اساس تعاریف ارائه شده می‌توان گفت که فرهنگ دانشگاهی «همان مجموعه‌ای است که در کلاس‌های درس در تعریف فرهنگ می‌خوانیم. فرهنگ شامل ارزش‌ها، باورها، هنجارها، دانش‌ها، مهارت‌ها، آیین‌ها، مناسک، زبان، نمادها و مانند اینها است» (ذاکر صالحی، ۱۳۹۷: ۲۶).

الگوی ارزش‌های رقیب یکی از پرکاربردترین الگوهای مفهومی در عرصه فرهنگ دانشگاهی است. در این الگو فرهنگ سازمان بر اساس تمرکز بر مسائل داخلی در برابر تمرکز بر مسائل خارجی و دیگری بعد کنترل (ثبات) در برابر انعطاف‌پذیری از یکدیگر متمایز شدند. بر اساس این الگو چهار فرهنگ قبیله‌ای، فرهنگ بازار، فرهنگ ادوکراسی و فرهنگ سلسله-مراتبی از یکدیگر متمایز می‌شوند. در فرهنگ قبیله‌ای انعطاف‌پذیری و تمرکز بر مسائل داخلی محور قرار می‌گیرد. لذا در این فرهنگ بر ارزش‌ها و اهداف مشترک، مشارکت، کار گروهی و هم‌نوایی بین افراد تأکید می‌شود. در فرهنگ بازار انعطاف‌پذیری و تمرکز بر مسائل خارجی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در نتیجه رقابت، تعاملات محیطی و مشتری‌مداری جزء ارزش‌های اصلی این فرهنگ است. فرهنگ ادوکراسی کنترل یا ثبات و در عین حال تمرکز بر مسائل خارجی را مهم می‌داند و در نتیجه بر کارآفرینی، نوآوری و خلاقیت و انطباق‌پذیری تأکید می‌کند. ساختارهای سازمانی در این فرهنگ، پابرجا نیستند و نقش‌ها کوتاه‌مدت‌اند. در فرهنگ سلسله‌مراتبی کنترل و تمرکز بر مسائل داخلی اولویت دارد. در نتیجه در این فرهنگ قوانین و مقررات، رویه‌های روشن اختیار و سلسله‌مراتب و کارایی مهم تلقی می‌شوند (کوبین و رابریگ، ۱۹۸۱).

فرهنگ دانشگاه اگر چه متأثر از جامعه و نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و آموزشی است اما آنچه به آن به منزله نوعی فرهنگ متفاوت از فرهنگ‌های دیگر هویت و امتیاز می‌بخشد، شکل‌گیری، توسعه و اتکای آن به ارزش‌های حاکم بر علم و فعالیت‌های فکری و فرهنگی است (صباغیان، ۱۳۸۸: ۶۶).

گالتونگ^۱ تأکید می‌کند که هر جامعه‌ای فرهنگ دانشگاهی خاص خود را تولید می‌کند، زیرا فرهنگ دانشگاهی از دل ساختارها و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه بیرون می‌آید. بنابراین این جامعه است که الگوها و شیوه‌ها و استانداردهای ملازم آموزش و پژوهش و مؤثر در فرآیند یادگیری و انتقال علم را مشخص می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۴). وی معتقد است که هر جامعه‌ای فرهنگ دانشگاهی و سبک‌های فکر متناسب با نظام

اجتماعی خود را دارد و این فرهنگ‌ها، هر کدام فرهنگ یادگیری، آموزش و پژوهشی خاصی دارند. بر این اساس گالتونگ چهار نوع فرهنگ دانشگاهی و سبک فکری ساکسونیک، تیوتونیک، گالیک و نیپونیک را از یکدیگر متمایز می‌کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

در فرهنگ ساکسونیک افراد به بحث و گفتگوی بیشتر در فضایی از نظر اجتماعی نسبتاً برابر تشویق می‌شوند و رهیافتی بیشتر تجربی به پژوهش دارند. فرهنگ تیوتونیک بر روابط استاد-شاگردی و رهیافت قیاسی تأکید بیشتر دارد. در فرهنگ گالیک روابط افقی برابر میان استاد و دانشجو برقرار است و بر رهیافتی غیرقیاسی تأکید بیشتر دارد. فرهنگ نیپونیک در روابط عمومی و سلسله مراتبی تأکید بیشتر دارد (فاضلی، ۱۳۸۲، ۱۰۳ - ۱۰۴).

کلارک چهار عامل رشته دانشگاهی، دانشگاه، کل سیستم آموزش عالی و حرفه آکادمیک یا جامعه علمی را از عناصر مؤثر بر فرهنگ سازمانی می‌داند.

رشته دانشگاهی: فضا یا زمینه نخست، رشته دانشگاهی است. بیشترین تأثیر فضای یک رشته علمی بر فرهنگ دانشگاهیان را می‌توان در فرآیند جامعه‌پذیری اعضای آن مشاهده کرد. ایشان به هنگام ورود به یک فضای علمی وارد یک دنیای جدید از زندگی می‌شوند که در آن باورهای خود را نسبت به تئوری، روش‌شناسی، تکنیک‌ها و مسائل رشته خود به اشتراک می‌گذارند.

دانشگاه: دانشگاه یا مؤسسه آموزشی دومین زمینه نهادی اجتماعی اثرگذار بر فرهنگ دانشگاهی است. دانشگاه نقش مهمی در سازمان‌دهی زندگی آکادمیک دارد. هدف و مأموریت دانشگاه، اندازه، موقعیت، میزان پیچیدگی و بدنه دانشجویی عناصر تشکیل‌دهنده این عامل نهادی مؤثر بر فرهنگ دانشگاهی به شمار می‌روند.

نظام ملی آموزش عالی: سومین زمینه نهادی مؤثر بر فرهنگ دانشگاهی، نظام آموزش عالی آن کشور است. در واقع ریشه برخی باورهای دانشگاهی نظام آموزش عالی آن کشور است. هر نظام ملی آموزش عالی ویژگی‌ها، ساختار و سازمان، تاریخچه و سابقه، اهداف و سیاست‌های خاص خود را دارد که بر فرهنگ دانشگاهی آن تأثیر می‌گذارد.

حرفه آکادمیک: چهارمین زمینه نهادی اجتماعی اثرگذار بر فرهنگ دانشگاهی حرفه آکادمیک است که در نگاه کلی با عامل اول رشته علمی هم‌پوشانی دارد. حرفه آکادمیک شامل ارزش‌هایی است که اعضای یک رشته علمی فارغ از عضویت آنها در دانشگاه‌های مختلف یا در سیستم‌های آموزشی عالی به آن پایبندند (کلارک، ۱۹۷۱: ۴۹۹-۵۱۵).

آستین^۱ نیز معتقد است که رسالت و اهداف دانشگاه، سبک رهبری مدیران، ساختار برنامه‌های درسی و استانداردهای دانشگاهی، ویژگی‌های استاد و دانشجو، روابط استاد و دانشجو، اندازه و موقعیت فیزیکی دانشگاه در تعیین فرهنگ دانشگاه نقش اساسی دارند (ذوالفقارزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۲).

۳- روش تحقیق

از آنجا که هدف پژوهش بررسی ادراک دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران از فرهنگ دانشگاهی است، مطالعه حاضر به روش نظریه زمینه‌ای انجام شده و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته جمع‌آوری شده است. در این راستا نگارنده با ۲۴ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های علوم انسانی دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و الزهرا (س) مصاحبه نیمه-ساخت‌یافته انجام داد. مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف اعم از دانشگاه، خوابگاه دانشجویی، محل کار دانشجویان و... انجام شد. میانگین مدت زمان مصاحبه از دانشجویان نیز ۴۰ دقیقه بود. چهار سوال اصلی پژوهش یعنی ادراک شما از فرهنگ دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنید چیست؟ علل و عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ دانشگاهی ایران کدامند؟ با توجه به ادراکی از فرهنگ دانشگاهی موجود دارید فکر می‌کنید که دانشجویان از چه استراتژی‌هایی برای وضعیت موجود استفاده می‌کنند؟ پیامدهای فرهنگ دانشگاهی ادراک‌شده را چه می‌دانید؟ هدایت‌کننده مصاحبه بودند اما سوالات جزئی‌تری نیز برای عمق بخشیدن به هر مصاحبه از مصاحبه-شوندگان پرسیده می‌شد. مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف اعم از دانشگاه، خوابگاه، محل کار مصاحبه‌شونده، پارک و... انجام شد. در این پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده شد. از آنجا که نمونه‌گیری نظری از قاعده انتخاب تدریجی پیروی می‌کند، ابتدا نمونه اولیه انتخاب و مصاحبه انجام شد، سپس مصاحبه انجام شده تحلیل شد و نمونه‌های بعدی بر اساس پالایش مفاهیم و مقوله‌های در حال ظهور انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا حصول اشباع نظری ادامه یافت. یعنی نمونه‌گیری زمانی پایان یافت که فضای مفاهیم و مقوله‌ها پر شده و دیگر داده جدیدی ظهور پیدا نکرد.

برای اعتباریابی نتایج پژوهش از روش سازگاری روش‌شناختی استفاده شد. به این معنا که محقق تلاش نمود تا کلیه رویه‌های روش‌شناسی را مد نظر قرار دهد. همچنین در این پژوهش

از روش زاویه‌بندی پژوهشگر نیز استفاده شد. به این معنی که از دو پژوهشگر دیگر نیز برای بررسی و بازنگری یافته‌ها استفاده شد.

جدول ۱: مشخصات پاسخگویان

| جنس | ترم | مقطع | رشته تحصیلی | دانشگاه محل تحصیل |
|-----|-----|---------------|---------------------|-------------------|
| مرد | ۵ | دکتری | مددکاری اجتماعی | علامه طباطبایی |
| مرد | ۳ | کارشناسی ارشد | تاریخ | تهران |
| زن | ۳ | کارشناسی ارشد | زبان انگلیسی | تربیت مدرس |
| زن | ۲ | کارشناسی ارشد | تاریخ | الزهرا |
| مرد | ۳ | کارشناسی ارشد | ارتباطات اجتماعی | علامه طباطبایی |
| زن | ۴ | دکتری | مطالعات زنان | تربیت مدرس |
| زن | ۵ | دکتری | علوم اجتماعی | تهران |
| زن | ۶ | دکتری | روانشناسی | الزهرا |
| مرد | ۶ | دکتری | ادبیات | تهران |
| زن | ۲ | دکتری | ایرانشناسی | شهید بهشتی |
| مرد | ۴ | کارشناسی ارشد | روزنامه‌نگاری | علامه طباطبایی |
| زن | ۴ | دکتری | حقوق | تهران |
| مرد | ۴ | کارشناسی ارشد | الهیات و ادیان | شهید بهشتی |
| زن | ۵ | دکتری | حقوق | علامه طباطبایی |
| زن | ۵ | دکتری | عربی | الزهرا |
| زن | ۴ | کارشناسی ارشد | تربیت بدنی | الزهرا |
| مرد | ۳ | دکتری | علوم سیاسی | علامه طباطبایی |
| مرد | ۳ | دکتری | فلسفه | شهید بهشتی |
| مرد | ۲ | کارشناسی ارشد | جغرافیا | تربیت مدرس |
| زن | ۵ | دکتری | ادبیات | الزهرا |
| زن | ۴ | دکتری | فلسفه تعلیم و تربیت | الزهرا |
| زن | ۳ | کارشناسی ارشد | علوم سیاسی | تهران |
| مرد | ۴ | کارشناسی ارشد | جامعه‌شناسی | تربیت مدرس |
| مرد | ۱ | کارشناسی ارشد | علوم اجتماعی | شهید بهشتی |

۴- یافته‌های پژوهش

حاصل تحقیق ۸۲ مفهوم یا زیرمقوله و ۱۹ مقوله محوری و یک مقوله هسته بود. در ارتباط با ادراک دانشجویان از فرهنگ حاکم بر دانشگاه‌های تهران ده مقوله محوری و ۴۶ زیرمقوله شناسایی شد. همچنین در ارتباط با علل تأثیرگذار بر فرهنگ دانشگاهی ۵ مقوله محوری و ۱۸ زیرمقوله شناسایی شد. در ارتباط با پیامدهای فرهنگ دانشگاهی حاکم نیز ۴ مقوله محوری و ۱۸ زیرمقوله استخراج شد.

۴-۱- سنخ‌های ادراک دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی ایران

اولین سؤال پژوهش که تلاش شد تا به آن پاسخ داده شود عبارت بود از اینکه دانشجویان چه ادراکی از فرهنگ دانشگاهی که در آن زندگی می‌کنند دارند. در پاسخ به این سوال و تحلیل مصاحبه‌های دانشجویان ۱۰ مقوله محوری شناسایی شد که عبارتند از: فرهنگ محافظه‌کارانه، فرهنگ مدرک‌گرایی، فرهنگ فردگرایی، فرهنگ ناامیدی، فرهنگ پرولتاریایی، فرهنگ ستایش‌گرایانه، فرهنگ تابعیت، غلبه فرهنگ مردانه، رابطه‌گرایی، تجاری شدن علم.

۱- فرهنگ محافظه‌کارانه: این مقوله از زیرمقوله‌هایی چون انفعال، دانشجوی محتاط، تابعیت دانشجوی، استاد محتاط، فرهنگ سکوت، فرهنگ ترس و فرهنگ تحمیل شناسایی شد. اکثر پاسخگویان معتقد بودند که در دانشگاه‌های ایران استاد گوینده و دانشجو شنونده است. در برخی موارد که دانشجویان دست به نقد مباحث ارائه شده در سر کلاس می‌زنند با استقبال اساتید روبرو نمی‌شوند. لذا دانشجویان پس از اندکی ورود به دانشگاه و شناختن جو حاکم بر دانشگاه ترجیح می‌دهند که شنونده باشند تا گوینده و یا منتقد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان شرایط موجود را چنین وصف می‌کند:

" در سطح ارشد و دکتری هم استاد توانایی شنیدن نظر دانشجویها رو نداره. دانشجو هم وقتی شرایط رو می‌بینه هیچی نمی‌گه. تو کلاس فقط می‌نویسه و می‌شنوه... . اکثر استادا این شرایط رو ترجیح میدن، بعضی‌ها سوادشو ندارن، استاد مزدبگیره دولته، نمی‌خواد ریسک کنه. دانشجو هم که دستش به جایی بند نیست میاد یه مدرکی میگیره و میره."

یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

" استادا میان درس خودشون رو میدن. آخر ترم هم یه سوالی مطرح می‌کنن. کل روال تا دوره دکتری همینه. الان دیگه دکتری هم همینجوری شده. تو دوره دکتری تنها تغییری که میکنه اینه که دانشجویها چند تا کنفرانس بیشتر میدن. با هم نه بحثی هست، نه نظر خاصی نه چیزی."

این فرهنگ در حالی در فرهنگ دانشگاهی جامعه ما وجود دارد که جامعه برای رشد و پیشرفت به دانشجویانی منتقد و فعال نیاز دارد. دانشجو باید بتواند ایده‌های خود را مطرح نموده و از آنها دفاع کند و از این طریق باعث پیشرفت علمی و در نهایت پیشرفت جامعه گردد.

۲- فرهنگ مدرک‌گرایی: یکی از ارزش‌هایی که دانشجویان آن را مورد تأکید قرار دادند توجه به مدرک و ارزشمند شدن مدرک‌گرایی بود. دانشجویان معتقد بودند که این نوع فرهنگ از ویژگی‌هایی مانند رقابت کاذب، بیکاری، اهمیت پرستیژ اجتماعی، تأکید بر آموزش صرف برخاسته و یا حتی آنها را به وجود آورده و تشدید می‌کند. لذا این مقوله نیز از زیرمقوله‌هایی چون فرهنگ کپی پیست، رقابت کاذب، تأکید بر آموزش صرف، اهمیت نداشتن پژوهش، فرار دانشجو از دانشگاه، مدرک برای شغل بهتر، مدرک برای پرستیژ اجتماعی بالاتر اتخاذ شد. اکثر پاسخگویان معتقد بودند که دانشجو تلاش می‌کند وارد دانشگاه شود و پس از ورود وقتی به این نتیجه رسید که وضعیت دانشگاه با ایده‌آل‌هایش فاصله دارد تلاشی برای تغییر وضع موجود نکرده و یا احساس می‌کند که تلاش‌هایش بی‌فایده است لذا تصمیم می‌گیرد که هر چه سریعتر مدرکی بگیرد و از آن خارج شود.

یکی از پاسخگویان چنین می‌گوید:

"دانشجو دغدغه کار داره و می‌خواهد مدرک بگیره تا پرستیژ اجتماعی‌اش بره بالا. اکثرشون سوادشون خیلی پایینه. با اینکه هممون از بیکاری خبر داریم، از وضعیت علمی خبر داریم همه می‌خوایم هر چه زودتر به مدرکی بگیریم و بریم.... مهارتی هم که یاد نمی‌گیریم. میشیم به مشت دانشجویهای مدرک گرفته بی‌دست و پا. اینا واقعیتیه که وجود داره، آره دانشجو حتی خیلی وقتا برای زودتر تموم کردن به دزدی ایده و کپی پیست کردن هم میفته."

یا یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید که:

"به نظرم اگر که شرایط کار برای افراد توی جامعه فراهم باشه ما این مشکلات رو نداریم. همه دارن درس می‌خونن که بلکه کاری پیدا کنن. اگر کار توی جامعه باشه و هر کس که علاقه داشت ادامه تحصیل بده ما دچار این بحران‌ها نمی‌شیم. دانشجو افسرده، پشیمون و دازده فقط می‌خواد به مدرکی بگیره. نه انگیزه خیلی خاصی داره نه هیچی."

۳- فرهنگ فردگرایی: این مقوله نیز حاصل ترکیب زیرمقوله‌هایی مانند رقابت کاذب، محتاط بودن دانشجو و استاد، نپذیرفتن کار جمعی، ترجیح کار فردی و خودمحوری می‌باشد. فردگرایی و انجام پژوهش و فعالیت‌های فردی و حتی پنهان‌کاری از جمله ویژگی‌های فرهنگ دانشگاهی در ایران است که دانشجویان به آن اشاره کردند.

یکی از دانشجویان می‌گوید:

" همیشه کارای جمعی تو جامعه ما با شکست مواجه می‌شه. هممون با تنهایی کار کردن راحت‌تریم. حتی از به اشتراک گذاشتن یافته‌هامون هم خیلی وقتا ابا داریم." یا یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید:

" استادها هم با همدیگه نمی‌تونن کار کنن. اکثر استادهای ما هم خودشون فعالیت پژوهشی می‌کنن. دانشجو هم توی همین دانشگاه داره یاد می‌گیره دیگه. تا کی استادی ما به جای اینکه به فکر تولید و افزایش سوادشون باشن باید رقابت کاذب با همدیگه داشته باشن؟ " فردگرایی از جمله فرهنگ‌هایی است که به فرهنگ عمومی جامعه نیز نسبت داده می‌شود. این فرهنگ به گفته و تجربه دانشجویان در دانشگاه‌های کشور نیز حاکم است. این فرهنگ در کنار ویژگی‌هایی مانند فرهنگ محافظه‌کارانه، پنهان‌کاری و... راحت‌تر قابل درک می‌گردد.

۴- فرهنگ ناامیدی: این مقوله نیز از زیرمقوله‌هایی چون دلزدگی، بی‌انگیزگی، خمودگی، بی‌کاری، نبود امنیت شغلی اتخاذ شد.

یکی از پاسخگویان می‌گوید:

" دانشجو الان یه دانشجوی خموده است. نه کاری داره نه درآمدی. هر جا هم که میری میگن دانشجویی؟ علوم انسانی می‌خونی؟ آخرش قراره چکاره بشی؟ دانشجو هم خودش هم میدونه که ممکنه کاری پیدا نکنه. فشار اطرافیان، فشار درس و دوری از خانواده همه اینها افسردگی میاره دیگه. هر کس هم که افسرده نشده با این شرایط انگیزه پیدا کرده که بره از ایران."

در واقع برخی از دانشجویان معتقد بودند که نبود امنیت شغلی یکی از دلایل اصلی این احساس در دانشجویان است. آنها وقتی به این موضوع فکر می‌کنند که تحصیل آنها منجر به شغلی مناسب نمی‌شود دچار یأس شده و با بی‌انگیزگی به تحصیل ادامه می‌دهند.

۵- فرهنگ پرولتاریایی: این مقوله از زیرمقوله‌هایی مانند دانشجو کارگر، درآمد کارگری، دانشجو پایان‌نامه نویس، دانشجوی مقاله‌نویس استخراج شد. امروزه بخاطر نبود شرایط کاری مناسب دانشجویان حتی در مقاطع دکتری مجبور به همکاری با موسسه‌های مختلف هستند. دانشجویان این نوع کار را از نظر درآمد و نادرست بودن نوعی کارگری کردن می‌دانند. چرا که در برخی موارد یا چیزی دریافت نمی‌کنند و یا دریافت اندکی دارند. از سوی دیگر برخی دانشجویان مجبور به همکاری با موسساتی هستند که مقاله و پایان‌نامه می‌نویسند و اگر چه بسیاری از دانشجویان این کار را غیراخلاقی می‌دانند اما بخاطر کسب درآمد آن را می‌پذیرند.

یکی از دانشجویان می‌گوید:

" آخرش اینه که دانشجو بیاد با استادش همکاری کنه دیگه. خیلی از استادها واقعا رفتار درستی با دانشجو ندارند. من خودم برای استادم چند تا مقاله نوشتم ولی آخرش احساس کردم مثل یک کارگر با من رفتار شد."

یا یکی دیگه از دانشجویان می‌گوید:

" من دوستم برای دانشجویهای دانشگاه آزاد پایان نامه می‌نویسه برای هر پایان‌نامه‌ای هم یک میلیون و خرده‌ای میگیره. خودش هم میدونه که کارش درست نیست ولی میگه وقتی کار نیست چکار کنم؟"

۶- فرهنگ ستایشگرانه: این مقوله از زیرمقوله‌هایی مانند پذیرش موضوع پیشنهادی استاد برای پایان‌نامه، تأیید مطالب استاد سر کلاس تحت هر شرایطی، عدم نقد استاد، نقل گفته‌های استاد در مقاله و کتاب توسط دانشجو برای جلب توجه استاد اتخاذ شد. یکی از دانشجویان می‌گوید:

" برای اینکه بتونی با یک استادی که مد نظرته کار کنی باید تو حیطة اون فعالیت کنی. حتی اگه بدونی که یک حیطة‌ای هست که حتی خیلی اشباع هم شده برای اینکه بتونی رزومه تو قوی کنی و مقاله زیاد داشته باشی حوزه‌اش رو بپذیری و روش کار کی حتی اگه خودت قبول نداشته باشی."

یا یکی دیگه از دانشجویان می‌گوید:

" استاد یه کتابی نوشته و رداشته کپی کرده همش هم از اون کتاب صحبت می‌کنه، بعضی از دانشجوها هم میرن میخونن برای اینکه خودشونو به استاد نشون بدن و نظرشو جلب کنن هی از کتاب نقل قول هم میکنن."

۷- فرهنگ تابعیت: این مقوله نیز از زیرمقوله‌هایی مانند تابعیت موضوعی دانشجو از استاد، تابعیت محض قوانین دانشگاه، دانشجوی غیرمنتقد استخراج شد. دانشجو حتی در مواردی که قوانین به جریان تولید دانش هم ضربه می‌زند نیز از قانون تابعیت می‌کند. در انتخاب موضوع مقاله و پایان‌نامه حتی اگر حوزه و موضوع پیشنهادی استاد مورد قبول دانشجو نباشد آنها را می‌پذیرد تا بتواند در این فرهنگ کمی گرا به جایگاهی دست یابد.

یکی از دانشجویان می‌گوید:

" الان همه قوانین تصویب شده به ضرر دانشجو. تو اکثر دانشگاهها دانشجوی ارشد باید چهارترمه تموم کنه. تموم نکنه کلی دردسر باید بکشه. هیچ کس اعتراض نمی‌کنه. یکی دو مورد اعتراض میشه نتیجه که نداره دانشجو کنار میکشه."

یا دانشجویی دیگه می‌گوید:

"همین استادها دانشجویی رو می‌پذیرند که ارزش تابعیت موضوعی داشته باشه. دانشجو هم چون میخواد پیشرفت کنه قبول میکنه. این میشه که دانشجو نه خلاقیتی داره، کپی پیست می‌کنه. انگیزه تولیدات علمی درخور را نداره دیگه. نمی‌گم اینجور دانشجوها نیستن‌ها، هستند، ولی تعدادشون خیلی کمه."

فرهنگ تابعیت یکی از دلایل بی‌انگیزگی دانشجویان می‌باشد. اینکه دانشجو بتواند در حوزه‌ای که علاقه دارد فعالیت کند می‌تواند باعث خلاقیت و ایده‌پردازی و رشد علمی وی گردد. اما اگر دانشجو برای اینکه بتواند در فرهنگ کمی‌گرای دانشگاه پیشرفت کند و پیشرفت را در این تابعیت می‌بیند می‌تواند منجر به پسرقت دانشجو نیز گردد.

۸- غلبه فرهنگ مردانه: این مقوله از زیرمقوله‌هایی مانند غلبه اساتید مرد، برترینی اساتید مرد، نگاه تحقیرآمیز نسبت به اساتید زن، تمسخر کلاس‌های اساتید زن استخراج شد. یکی از دانشجویان می‌گوید:

"باعث تأسف که یک دانشجوی ترم ۳ رشته‌ای نگاه تحقیرآمیز نسبت به استاد زن داره. احتمالاً چون اون زنه. وگرنه بین استاد‌های زن و مرد توی دانشگاه‌های ما چقدر از نظر سواد فرق هست؟"

یا یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید:

"اساتید ما اغلب مرد هستند، تو اکثر کارگاهها، همایش‌ها و... مردها حضور دارند. حتی در دانشگاهها هم زنها در اقلیت هستند و زیاد جدی گرفته نمیشن. به نظرم این یک واقعیت مهم و اساسیه."

۹- فرهنگ رابطه‌گرایی: این مقوله از زیرمقوله‌هایی مانند نبود شایسته‌سالاری در اشتغال، عدم رعایت قانون و زد و بندبازی اتخاذ شد. دانشجویان معتقد بودند که آنچه در دانشگاه‌های ما خصوصاً برای اشتغال و کسب موقعیت‌های علمی وجود دارد روابط است نه قوانین و ضابطه. یکی از دانشجویان می‌گوید:

"به نظرتون این همه به استاد چسبیدن ما دانشجوها به خاطر چیه؟ میریم تو حوزه‌شون کار میکنی؟ مهمترین دلیلش اینه که بتونیم رابطه‌هامون رو قوی کنیم تا چهار روز دیگه بتونیم استفاده کنیم. قانون ملاک نبودن همین میشه."

۱۰- تجاری شدن علم: این مقوله از زیرمقوله‌هایی مانند فروش مدرک، پردیس دانشگاهی، کالا شدن علم، دانشگاه به مثابه بازار استخراج شد. یکی از دانشجویان می‌گوید:

" این چند سال اخیر که همه چیز شده پول توی دانشگاه، خصوصاً سطح دکتری. این پردیس‌های دانشگاه باعث شده هر کس که پول داره بتونه مدرک بگیره." یا یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید:

" به نظرم این چند سال اخیر ما رسماً کالا شدن علم رو داریم می‌بینیم. دانشگاه شده برای ه عده بازار، که بتونن توش هر روز بیشتر پول در بیارن." یا یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید:

" وقتی به این مساله فکر میکنم که من این همه درس خوندم دارم مدرک دکتری میگیرم با یکی دیگه معلوم نیست با چه سوادى داره همین مدرک رو میگیره واقعا سرم سوت می‌کشه. چهار روز دیگه هم با همین پول و زد و بندبازی میاد همینجا هیأت علمی میشه. از ما که گذشت خدا به داد دانشجویهای ۵ سال دیگه برسه با استادای بی‌سواد!"

برخی از دانشجویان معتقدند که شکل‌گیری فرآیندی که در آن بسیاری از افراد می‌توانند به واسطه استطاعت مالی مدرکی را بگیرند که آنها با تلاش خیلی بیشتر آن را کسب می‌کنند نه تنها عادلانه نیست بلکه بی‌عدالتی بوده و حتی می‌تواند مانع بزرگی بر سر راه رشد و پیشرفت جامعه باشد. این فرهنگ باعث می‌شود افرادی که شرایط اقتصادی بهتر دارند وارد مقاطع تحصیلی حتی در مقطع دکتری شوند.

جدول ۲: مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ادراک دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی

| زیرمقولات | مقوله‌های اصلی | |
|---|---------------------|---|
| <ul style="list-style-type: none"> - انفعال دانشجوی - دانشجوی محتاط - دانشجوی تابع - استاد محتاط - فرهنگ سکوت - فرهنگ ترس - فرهنگ تحمیل | فرهنگ محافظه‌کارانه | سنخ‌های ادراک دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی |
| <ul style="list-style-type: none"> - فرهنگ کپی-پیست - رقابت کاذب - تأکید بر آموزش صرف - اهنیت نداشتن پژوهش - فرار دانشجو از دانشگاه - مدرک برای شغل بهتر - مدرک برای پرستیژ اجتماعی بالاتر | فرهنگ مدرک‌گرایی | |

| | |
|--|-------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> - رقابت - محتاط بودن دانشجو و استاد در قبال سایر اعضا - نپذیرفتن کار جمعی - شیوع فعالیت علمی فردی - خودمحوری | فرهنگ فردگرایی |
| <ul style="list-style-type: none"> - دلزدگی - بی انگیزگی - خمودگی - بیکاری - نبود امنیت شغلی | فرهنگ ناامیدی |
| <ul style="list-style-type: none"> - دانشجوی کارگر - درآمد کارگری - دانشجو پایان‌نامه نویس - دانشجوی مقاله نویس | فرهنگ پرولتاریایی |
| <ul style="list-style-type: none"> - پذیرش موضوع پیشنهادی استاد برای پایان‌نامه - تأیید مباحث استاد سر کلاس درس تحت هر شرایطی - عدم نقد استاد - نقل گفته‌های استاد در مقاله و کتاب توسط دانشجو برای جلب توجه | فرهنگ ستایشگرانه |
| <ul style="list-style-type: none"> - تابعیت موضوعی دانشجو از استاد - تابعیت محض قوانین دانشگاه - دانشجوی غیرمنتقد | فرهنگ تابعیت |
| <ul style="list-style-type: none"> - غلبه اساتید مرد - برتری‌ی اساتید مرد - نگاه تحقیرآمیز به اساتید زن - به تمسخر گرفتن کلاس اساتید زن | غلبه فرهنگ مردانه |
| <ul style="list-style-type: none"> - نبود شایسته‌سالاری در اشتغال - عدم رعایت قانون - زد و بندبازی | رابطه‌گرایی |
| <ul style="list-style-type: none"> - فروتنی مدرک - پردیس دانشگاهی - کالا شدن علم - دانشگاه به مثابه بازار | تجاری شدن علم |

۴-۲- علل مؤثر بر ادراک دانشجویان از فرهنگ دانشجویی

در ادامه از دانشجویان درباره علل وجود فرهنگ دانشگاهی موجود سوالاتی پرسیده شد. دانشجویان ارزیابی چندان مثبتی از فرهنگ دانشگاهی در جامعه ایران نداشتند و عللی را برای شرایط موجود ذکر کردند. دانشجویان علل شرایط موجود را بیشتر عواملی ساختاری-اجتماعی ذکر کردند: فرهنگ جامعه، آموزش ناکارآمد در کلیه مقاطع تحصیلی، اساتید دانشگاه، شرایط نامناسب دانشگاه، فرهنگ خانواده، نبود امنیت شغلی.

۱- فرهنگ جامعه: فرهنگ جامعه از جمله عللی بود که مورد تأکید بیشتر دانشجویان قرار گرفت. آنها فرهنگ دانشگاه را زیرمجموعه‌ای از فرهنگ کلی جامعه ارزیابی می‌کردند و معتقد بودند که در جامعه فرهنگی غالب است که حاصل آن فرهنگی جزء فرهنگ دانشگاهی موجود نیست. این مقوله از زیرمقولاتی چون نبودن روحیه انعطاف‌پذیری، وجود فرهنگ تابعیت، قبول وضع موجود و سازگاری با آن، بی‌تفاوتی، فرهنگ راحت‌طلبی (همیشه راحت‌ترین راه حل را پذیرفتن) اخذ شد.

یکی از پاسخگویان می‌گوید:

"بالاخره دانشجو هم از همین فرهنگ بلند شده دیگه. توی همین فرهنگ جامعه‌پذیر شده. فرهنگ دانشگاه ما هر چی هست توی جامعه کاملاً دیده میشه. من که میبینم. توی جامعه هم ما ادمه‌های خلاق نداریم دانشگاه هم نداریم. دانشجو چرا کپی میکنه؟ چون خلاقیت نداره. مردم تابع، دانشجو تابع استاد."

دانشجویان معتقد بودند که فرهنگ دانشگاه جدا از فرهنگ کلی جامعه نیست. دانشجو در همین فرهنگ رشد می‌کند و در نتیجه ما نمی‌توانیم فرهنگ جامعه را بر فرهنگ دانشگاه بی-تأثیر بدانیم و یا آن را جدا در نظر بگیریم.

۲- آموزش نادرست و ناکارآمد در همه مقاطع تحصیلی: یکی از عللی که دانشجویان به آن اشاره کردند نوع آموزش ناکارآمدی بود که دانشجو پیش از ورود به دانشگاه می‌بیند. آموزش پیش از دانشگاه تفکری خطی و ساده را به افراد می‌آموزد و از آنجا که هیچ تغییری در نوع آموزش در دانشگاهها وجود ندارد دانشجو نیز تبدیل به دانشجوی منفعل و با تفکری خطی و مدرک‌گرا و نمره‌محور می‌شود.

این مقوله برگرفته از زیرمقولاتی چون مدارس ناکارآمد، دانش‌آموز منفعل، دانشگاه آموزش-محور، نبود پژوهش، آموزش تفکر ساده و خطی و نمره‌محوری می‌باشند. دانشجویان معتقدند که دوران تحصیل ما قبل از دانشگاه کارآمد و توانمندکننده نیست. این ویژگی حتی در دوره دانشگاه هم وجود دارد.

یکی از پاسخگویان می‌گوید:

" آموزش ما از مدرسه ایراد داره. توی مدرسه‌ها دانش‌آموز حق حرف زدن نداره. باید دست به سینه بشینه. معلم هر چی گفت. آخر ترم هم یه امتحانی و یه نمره‌ای... حالا دانشجو تو دانشگاه می‌خواد تفکر انتقادی یاد بگیره؟ می‌ترسه خوب، نمی‌تونه."

یا یکی دیگر از پاسخگویان می‌گوید:

" فقط نظری خونديم. حتی تو رشته‌های کاربردی‌تر باز هم چیزی که به درد کار دانشجو بخوره بهش یاد نمیدن. اصلاً کارآفرینی، خلاقیت، شجاعت زدن حرف به هر قیمت این جور چیزها به دانش‌آموز، دانشجو یاد داده نمیشه که."

کاربردی نبودن دروس و تنها خواندن مطالبی نظری و حفظ کردن آنها و حتی ادامه همین وضعیت در دانشگاهها نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری فرهنگ دانشگاهی و منش علمی دانشجو دارد.

۳- اساتید دانشگاه: دانشجویان نقش اساتید را در شکل‌دهی فرهنگ دانشگاهی بسیار اساسی می‌دانستند و معتقد بودند و تأکید می‌کردند یکی از ارکان اصلی شکل‌دهنده فرهنگ یک دانشگاه اساتید یک دانشگاه هستند. بسیاری از دانشجویان معتقد بودند که اساتید یکی از اصلی‌ترین نقش‌ها را در شکل‌دهی تفکر انتقادی دانشجویان می‌توانند داشته باشند. اما اکثر آنها بیان کردند که اساتید حتی در مقطع دکتری نیز توانایی شنیدن نظرات دانشجو را ندارند. اساتید محتاط و محافظه‌کار، اساتید مونولوگ‌محور و اساتید وابسته از زیرمقولاتی هستند که مقوله مورد بحث از آن اخذ شد.

یکی از دانشجویان می‌گوید:

" استادها حتی تو کلاس درس دکتری هم تحمل نظر دانشجو رو ندارند. حتی اگه با دانشجو ابراز موافقت کنه میشه از زبان بدنش فهمید که از حرف دانشجو خوشش نیومده. مخالفت با استاد عواقب زیاد داره. خودمون از نزدیک دیدم که یک بحث کاملاً آکادمیک برای استاد تبدیل به یک مسأله شخصی با دانشجو شد. یا دانشجوی دیگری می‌گوید خیلی از استادها بعد هیئت علمی شدن دیگه سوادشون به روز نمی‌شه. خیلی‌هاشون هم که زندگی‌شون از دانشگاه تأمین میشه."

دانشجو وقتی وارد دانشگاه می‌شود بیشترین ارتباط را با اساتید دارد. اساتید باید بتوانند الگوی مناسبی برای دانشجو باشند. در واقع یکی از تأثیرگذارترین عوامل در شکل‌گیری منش علمی دانشجو اساتید هستند و نباید اهمیت آن را از نظر دور داشت.

۴- فرهنگ خانواده: این مقوله نیز از زیرمقولاتی چون وجود فرهنگ تابعیت، فرهنگ پدرسالارانه اتخاذ شد.

دانشجویان معتقد بودند که در گذشته در خانواده فرزند باید فقط تابعیت می‌کرد. این تبعیت در خانواده پس از ورود کودک به مدرسه و جامعه نیز امتداد پیدا می‌کند و به دانشجوی غیرخلاق و تابع و ... می‌انجامد.
یکی از دانشجویان می‌گوید:

"از خطی که برامون می‌کشیدن اونورتر نمی‌رفتیم. باید به حرفها گوش میدادیم. اگه گوش نمیکردیم تنبیه می‌شدیم. همیشه هم از تنبیه شدن ترسیدیم. نهایتاً شدیم این نسل دیگه. نسلی که نمی‌تونه خودشو ابراز کنه. خلاق باشه. روی حرف و خواسته‌اش پافشاری کنه."

۵- نبود امنیت شغلی: یأس از تحصیل، ناامیدی به آینده، دانشجوی بیکاری زیرمقولاتی بودند که مقوله نبود امنیت شغلی از آنها استخراج شد. دانشجو با دیدن شرایط موجود دچار ناامیدی شده و سعی می‌کند هر چه زودتر از دانشگاه خارج شود تا بتواند در این گوی سبقت شغلی برای خودش دست و پا کند. لذا دنبال موضوعات بکر نمی‌رود، کپی پیست نمی‌کند، دنبال موضوع پیشنهادی استاد می‌رود تا بلکه نظر وی را جلب نماید و

یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

"بیکاری الان مهمترین دغدغه دانشجویها است. کار نداشتن با مدرک دکتری سخته؟ سخت فقط برای یه لحظه‌شه. دانشجوی بیکار افسرده میشه، دیگه براش فرقی نمی‌کنه که روی چی کار کنه، سعی میکنه وصل بشه به قدرت، استادی که برش داشته باشه و ادامه ماجرا."

جدول ۳: مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ادراک دانشجویان از علل مؤثر بر فرهنگ دانشگاهی

| زیرمقولات | مقوله‌های اصلی | |
|---|--|--|
| <ul style="list-style-type: none"> - نبودن روحیه انعطاف‌پذیری - وجود فرهنگ تابعیت - قبول وضع موجود و سازگاری با آن - بی‌تفاوتی - فرهنگ راحت‌طلبی | <ul style="list-style-type: none"> - فرهنگ جامعه | سنخ‌های ادراک دانشجویان علل مؤثر بر فرهنگ دانشگاهی |
| <ul style="list-style-type: none"> - مدارس ناکارآمد - دانش‌آموز منفعلدانشگاه آموزش محور - نبود پژوهش - آموزش تفکر خطی و ساده - نمره‌محوری | <ul style="list-style-type: none"> - آموزش نادرست و ناکارآمد در همه سطوح تحصیلی | |

| | |
|-----------------|---|
| اساتید دانشگاه | - اساتید محتاط و محافظه‌کار - اساتید مونولوگ محور - اساتید وابسته |
| فرهنگ خانواده | - فرهنگ تابعیت - فرهنگ پدرسالارانه |
| نبود امنیت شغلی | - یأس از تحصیل - ناامیدی به آینده - دانشجوی بیکار |

۴-۳- پیامدهای شرایط موجود فرهنگ دانشگاهی از دیدگاه دانشجویان

سومین هدف پژوهش بررسی پیامدهایی بود که نوع فرهنگ دانشگاهی ادراک شده در سطوح مختلف دارد. لذا از دانشجویان سوال شد که پیامدهای فرهنگ دانشگاهی موجود در جامعه را چه می‌دانند.

پیامدهایی که دانشجویان برشمردند عبارت بودند از: فرار مغزها، رکود علمی، به هدر رفتن منابع کشور و افزایش اختلالات روانی ارائه شد. این مقوله از سوال سوم پژوهش یعنی با توجه به ادراکی از فرهنگ دانشگاهی موجود دارید پیامدهای فرهنگ دانشگاهی موجود را چه می‌دانید؟ استخراج شد. از جمله پیامدهایی را که دانشجویان برشمردند عبارتند از:

۱- فرار مغزها: فرار مغزها از جمله پیامدهایی بود که دانشجویان بر آن تأکید داشتند. این مقوله حاصل زیرمقولاتی چون برتر پنداشتن کشورهای خارجی، خروج از کشور به بهانه ادامه تحصیل و از دست رفتن سرمایه انسانی می‌باشد. وقتی دانشجویی با شرایطی روبرو است که با مدرک دکتری هم شغلی نصیبش نمی‌شود ترجیح می‌دهد از کشور خارج شود تا شاید در کشوری دیگر بتواند زندگی بهتری داشته باشد. یکی از دانشجویان می‌گوید:

" این همه فرار مغزها به خاطر همین چیزهاست دیگه. نبود کار و آینده شغلی، جو بد دانشگاهها. من خودم الان پشیمونم که نرفتم. الان ۴ تا همکلاسیهای من رفتن. یا یکی دیگر از دانشجویان می‌گوید:

" الان واقعا دانشجویهای دکتری ما ارزشی که دانشجوی دکتری ۱۰ سال پیش داشت رو ندارن. دانشجو فکر میکنه که خوب چی شده؟ قراره از این به بعد چی بشه؟ تا حالا نرفته؟ ممکنه از این به بعد بره. یکی از دوستای من تازه بعد دکتریش می‌خواد برای دکتری دیگه توی کانادا اقدام کنه."

۲- رکود علمی: رکود علمی نیز از جمله پیامدهایی بود که بیشتر دانشجویان بر آن تأکید کردند. این مقوله نیز حاصل زیرمقوله‌هایی چون در جا زدن، توهم پیشرفت علمی، کم شدن توان علمی کشور، زیر سؤال رفتن ارزش علم و پایین آمدن کیفیت پژوهش و فعالیت علمی می‌باشد. اکثر دانشجویان مهم‌ترین پیامد این شرایط را رکود و حتی پسرفت کشور دانستند. یکی از دانشجویان می‌گوید:

" این همه دانشجویها تلاش می‌کنن باز دانشگاههای ما وضعیت علمی خوبی ندارن. چون همه کارها تکراریه، ایده‌های بکر وجود نداره. دانشجویی که سر ترم تحصیلی تحت فشاره چقدر میتونه فعالیت کنه؟ نمیگم نیستن همچین دانشجویهایی. هستن اما تعدادشون کمه. ما باید یه دانشگاهی بسازیم که برای همه دانشجویهاش این شرایط رو فراهم کنه. یعنی یه چیز ساختاری باشه نه فردی. یه دانشجو خودش شرایطی فراهم کنه که بتونه کار خوب ارائه بده که نشد راه- حل."

سرمایه‌های انسانی جامع از مهمترین عوامل رشد جامعه می‌باشد. اگر نتوان این سرمایه‌ها را در جامعه حفظ و بازتولید کرد جامعه دچار رکود خواهد شد.

۳- هدر رفتن منابع کشور: یکی از پیامدهای آموزش ناکارآمد به هدر رفتن منابع مختلف کشور است. وقتی آموزش ناکارآمد باشد بسیاری از افراد پس از ادامه تحصیل نمی‌توانند شغلی ایجاد کنند در نتیجه یا بیکار خواهند بود و یا به مشاغل کاذب روی می‌آورند که منافع اقتصادی برای کشور ندارد و یا برخی نیز از مقطعی به بعد برای ادامه تحصیل و کار از کشور خارج شده و در نتیجه سود سرمایه انسانی پرورش یافته در جامعه مصیب کشورهای دیگر می‌شود. این مقوله از زیرمقوله‌هایی چون هزینه‌های بدون برگشت، سرمایه انسانی بیکار و بدون ایده، اشتغال در خدمات بدون تولید، سرمایه انسانی از کشور خارج شده اخذ شد. یکی از دانشجویان می‌گوید:

واقعا فکر می‌کنین که ما به اندازه هزینه‌ای که برای هر دانشجو خصوصاً دانشجوی دکتری می‌کنیم به همون اندازه هم داریم ازش بهره‌برداری می‌کنیم؟ هزینه‌هایی که برای یک فرد تا مقطع کارشناسی میشه و بهترین‌هاش از کشور خارج می‌شن، به نظرتون این هزینه‌ها برمی‌گرده؟ اینها همش ضرره دیگه.

۴- افزایش اختلالات روانی: این مقوله از زیرمقوله‌هایی چون ناامیدی، یأس و خمودگی اتخاذ شد. رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی که مهم‌ترین دغدغه‌شان کار است می‌تواند باعث افزایش اختلالات روانی شود. یکی از دانشجویان می‌گوید:

" یه بررسی بکنیم می‌بینیم که اکثر دانشجویها افسرده هستند. هر چی مقاطع بالاتر میره به نظرم این ناامیدی و افسردگی بیشتر هم مشه." تأثیرات حاصل از فرهنگ ناکارآمد دانشگاهی را بر روی دانشجویان نباید نادیده گرفت، چرا که این تأثیرات منفی می‌تواند باعث از دست رفتن سرمایه انسانی به طرق مختلف شود. برخی از دانشجویان ممکن است ناامید گشته و از کشور خارج شوند اما برخی نیز ممکن است که در کشور بمانند اما دچار تأس و ناامیدی شوند و این امر نیز باعث می‌شود دانشجویان کارایی لازم را نداشته باشند که این امر می‌تواند مصداقی از از دست رفتن سرمایه انسانی جامعه باشد.

جدول ۴: مقوله‌ها و زیرمقوله‌های ادراک دانشجویان از پیامدهای فرهنگ دانشگاهی حاکم

| زیرمقولات | مقوله‌های اصلی | |
|---|-----------------------|---|
| <ul style="list-style-type: none"> - برتر پنداشتن کشورهای خارجی - خروج از کشور به بهانه ادامه تحصیل - از دست رفتن سرمایه انسانی | فرار مغزها | سنخ‌های ادراک دانشجویان از پیامدهای فرهنگ دانشگاهی حاکم |
| <ul style="list-style-type: none"> - در جا زدن - توهم پیشرفت علمی - کم شدن توان علمی کشور - زیر سوال رفتن ارزش علم - پایین آمدن کیفیت پژوهش و فعالیت علمی | رکود علمی | |
| <ul style="list-style-type: none"> - هزینه‌های بدون بازگشت - سرمایه انسانی بیکار و بدون ایده - اشتغال در خدمات بدون تولید - سرمایه انسانی از کشور خارج شده وجود فاصله اقتصادی از سایر کشورها - رنکینگ پایین دانشگاههای ایران | هدر رفتن منابع کشور | |
| <ul style="list-style-type: none"> - ناامیدی - یأس - خمودگی | افزایش اختلالات روانی | |

۴-۴- استراتژی

استراتژی بکاربرده شده توسط دانشجویان نیز با این سؤال استخراج شد: با توجه به ادراکی که از فرهنگ دانشگاهی موجود دارید فکر می‌کنید که دانشجویان از چه استراتژی‌هایی برای وضعیت موجود استفاده می‌کنند؟ با توجه به ادراکی که دانشجویان از وضع موجود فرهنگ

دانشگاه دارند اکثریت دانشجویان در مواجهه با این وضعیت دانشگاه شرایط موجود را می-پذیرند. عده‌ای می‌پذیرند که شرایط همین است و در ساختار موجود حل می‌شوند. عده‌ای مسیر خود را کج کرده و راه خود را می‌روند. این افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند: یا از کشور خارج می‌شوند و رشد و پیشرفت خود را در جای دیگر می‌جویند و یا به مسیر خود ادامه می‌دهند تا موفقیت مورد نظر خود را حاصل نمایند. دانشجویان معتقد بودند که این دسته آخر تعداد معدودی از دانشجویان دانشگاهها را شامل می‌شود و اکثریت ترجیح می‌دهند که در جهت جریان آب شنا کنند و نه در خلاف آن.

یکی از دانشجویان می‌گوید:

" به نظرم اکثر دانشجویان این ساختار را قبول می‌کنند و بر اساس عمل می‌کنند. چون قدرت خاصی نداره دانشجو. به نظرم این وضعیت توی سطح دکتری حتی بیشتر هم هست چون تعداد دانشجویان زیاده و بر سر کار یک نوع رقابت وجود داره."

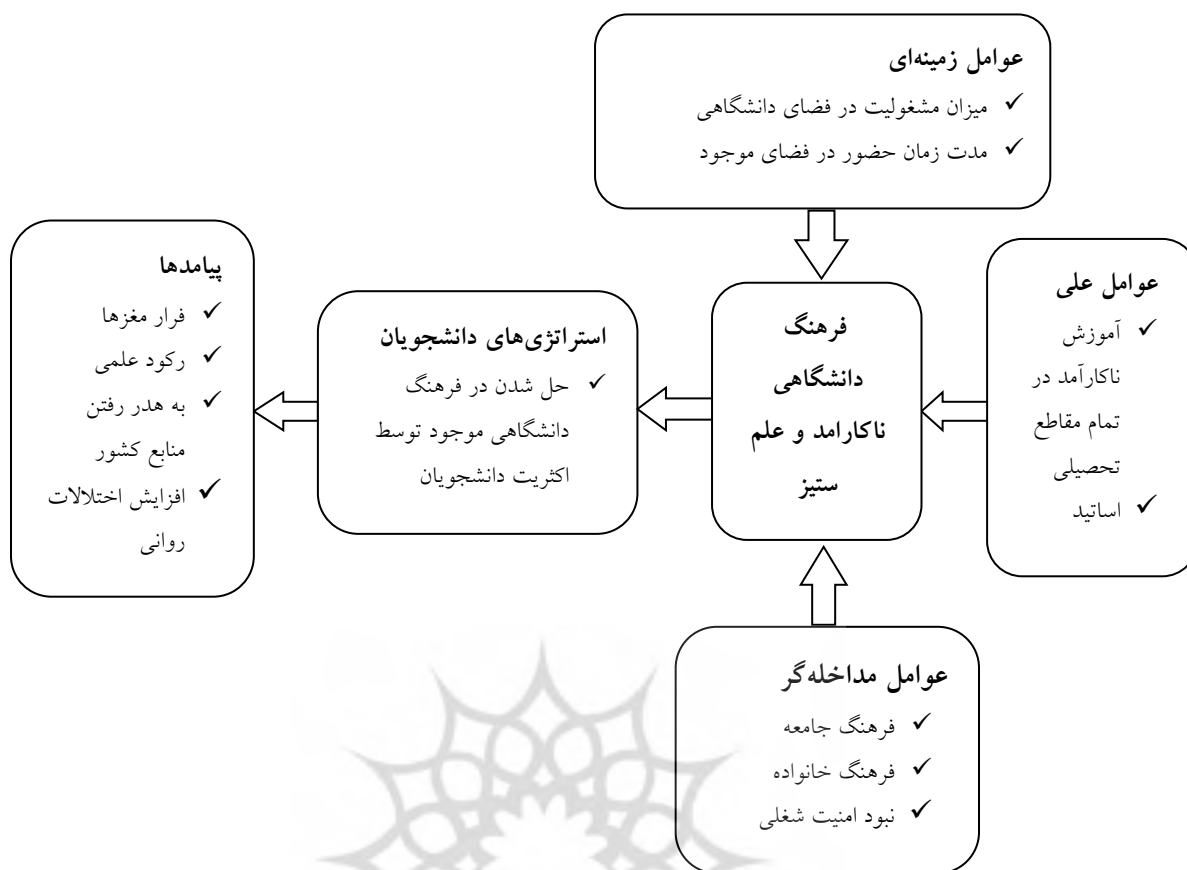
یا دانشجوی دیگری می‌گوید:

" دانشجویان گاهی یه نقدهایی می‌کنند مقاومت‌هایی می‌کنند اما خیلی اساسی نیست. تغییری بوجود نمی‌اره... ساختارها خیلی قوی‌تر هستن. خصوصاً که دانشجو منافع خودش را مجبوره نهایتاً در نظر بگیره."

مقوله هسته: دانشجویان دانشگاههای تهران فرهنگ دانشگاهی را نامناسب و ناکارآمد ارزیابی کرده و علل آن را در قالب عوامل کاملاً ساختاری و بیرونی ادراک می‌کنند. در زمینه بررسی علل شرایط موجود دانشجویان فقط شرایط بیرونی را زیر سوال برده و فقط عوامل ساختاری و بیرونی الزام‌آور را تبیین‌کننده شرایط موجود می‌دانند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای دانشگاههای تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، شهیدبهشتی و الزهرا (س) تصور چندانی مثبتی از فرهنگ حاکم بر دانشگاههای خود ندارند. اولین سؤال پژوهش این بود که دانشجویان چه ادراکی از فرهنگ دانشگاهی دارند؟ از پاسخ مصاحبه‌شوندگان به این سؤال مقوله‌هایی استخراج شد که نشان داد دانشجویان فرهنگ حاکم بر دانشگاهشان را به در قالب مفاهیمی مانند فرهنگ محافظه‌کارانه، فرهنگ مدرک‌گرایی، فرهنگ فردگرایی، فرهنگ ناامیدی، فرهنگ پرولتاریایی، فرهنگ ستایشگرانه، فرهنگ تابعیت، غلبه فرهنگ مردانه، رابطه‌گرایی، تجاری شدن علم ادراک می‌کنند. این مفاهیم بر اساس مفاهیم موجود در ادبیات نظری و تجربی موجود استخراج



نمودار ۱: مدل پارادایمی پژوهش

شدند و تلاش شد تا انتزاعی‌ترین مقوله ممکن استخراج شود. با توجه به اینکه پژوهشی کیفی در ارتباط با ادراک دانشجویان نسبت به فرهنگ حاکم بر دانشگاه انجام نشده است این بخش از نتایج پژوهش حاضر از بداعت ویژه‌ای برخوردار است. یافته‌های پژوهش‌های کاظمی (۱۳۹۷)، ذاکر صالحی (۱۳۹۷، ۱۳۹۳)، فراستخواه (۱۳۹۶)، زاهدی اصل (۱۳۸۸) مؤید نتایج این پژوهش است. در پژوهش‌های انجام شده فرهنگ حاکم بر دانشگاه و فعالیت‌های پژوهشی در ایران بررسی شد که نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که فرهنگی زایا و کارآمدی بر فرهنگ دانشگاهی و علمی و پژوهشی جامعه حاکم نیست. کاظمی (۱۳۹۷) نیز بر وجود فرهنگ

پرولتاریایی در بین بیکاران دانشگاهی صحنه می‌گذارد اما نکته جالب توجه در این پژوهش این است که مصاحبه‌شوندگان دانشجویان در حال تحصیل را نیز پرولتاریایی می‌دانند که برای اساتید کارگری می‌کنند.

بداعت دیگر این پژوهش در این امر است که این پژوهش کیفی بوده و جمعیت مورد بررسی نیز دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران بودند. دانشجویان کسانی هستند که با این فرهنگ دست و پنجه نرم می‌کنند. جای خالی پژوهشی که ادراک دانشجویان رشته‌های فنی و پزشکی را نشان دهد کاملاً احساس می‌گردد.

بررسی عوامل مؤثر بر ادراک دانشجویان از فرهنگ حاکم بر دانشگاهها سؤال دوم پژوهش حاضر بود که نشان داد دانشجویان علل بیرونی و ساختاری الزام‌آور را عامل وضعیت حاکم بر دانشگاه‌هایشان می‌دانند. اشاره آنها به عواملی چون آموزش ناکارآمد در تمام مقاطع تحصیلی، اساتید، فرهنگ جامعه، فرهنگ خانواده و نبود امنیت شغلی نشان‌دهنده دیدگاه منفی آنها نسبت به ساختارهای موجود در جامعه است که انگار می‌توان همه مسائل و مشکلات موجود در دانشگاهها را با آنها تبیین نمود. نتایج این پژوهش هم راستا با پژوهش‌های خارجی بوده که تأکید کردند که فرهنگ جامعه بر فرهنگ دانشگاه نیز تأثیر می‌گذارد. نتیجه این پژوهش خصوصاً با نتیجه پژوهش پاتل (۲۰۱۲) که در جامعه هند انجام شد همراستا است که فرهنگ جامعه شرایط را برای شکل‌گیری یک فرهنگ مناسب دانشگاهی فراهم نمی‌سازد. موایس و سیناترا (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود بر تأثیر فرهنگ جامعه تأکید کردند.

سومین سؤال پژوهش پیامدهای فرهنگ حاکم بر دانشگاهها بود که دانشجویان پیامدهای حاصل از این شرایط را نیز بیشتر متوجه جامعه دانسته و به پیامدهایی چون فرار مغزها، رکود علمی، وابستگی و هدر رفتن منابع کشور اشاره کردند. البته دانشجویان از نتیجه این وضعیت بر دانش‌آموختگان نیز غافل نبوده و معتقد بودند که فرهنگ حاکم بر دانشگاهها می‌تواند به فزایش اختلالات روانی بیانجامد.

در نهایت باید به مقوله هسته نیز توجه داشت. بر اساس مقوله هسته می‌توان گفت که دانشجویان دانشگاههای تهران فرهنگ دانشگاهی حاکم را نامناسب و ناکارآمد ارزیابی کرده و علل آن را در قالب عوامل کاملاً ساختاری و بیرونی ادراک می‌کنند. در زمینه بررسی علل شرایط موجود دانشجویان فقط شرایط بیرونی را زیر سؤال برده و فقط عوامل ساختاری و بیرونی الزام‌آور را تبیین‌کننده شرایط موجود می‌دانند.

همانطور که بسیاری از نظریه‌پردازان نیز بیان کردند که فرهنگ دانشگاهی از دل ساختارها و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه بیرون می‌آید. بنابراین این جامعه

است که الگوها و شیوه‌ها و استانداردهای ملازم آموزش و پژوهش و مؤثر در فرآیند یادگیری و انتقال علم را مشخص می‌کند و در نتیجه هر جامعه‌ای فرهنگ دانشگاهی خاص خود را شکل می‌دهد، دانشجویان نیز به این بعد توجه زیادی کردند و شرایط موجود در دانشگاه‌های تهران را حاصل شرایط اقتصادی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه دانسته‌اند.

بر این اساس برای بهبود فرهنگ دانشگاهی در ایران باید به فرهنگ جامعه و همچنین به فرآیند جامعه‌پذیری علمی افراد در فرآیند تحصیل از ابتدایی تا تحصیلات تکمیلی توجه نمود. انجام پژوهش‌های کمی و کیفی بیشتری در زمینه عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ علمی دانشگاه‌ها نیز توصیه می‌گردد تا بتوان تغییرات اساسی در زمینه فرهنگ دانشگاهی در جامعه ایران ایجاد کرد.

منابع

- امین اسماعیلی، حمید و خلیلی، اسماعیل (۱۳۸۱). *آسیب‌شناسی فرهنگی دانشگاه‌های ایران*. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- امین مظفری، فاروق، عباس‌زاده، محمد و رضایی فرهادآباد، رجب (۱۳۹۴). بررسی رابطه فرهنگ رشته‌ای با انواع فرهنگ‌های دانشگاهی در دانشگاه تبریز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶(۴)، ۱-۲۴.
- ابراهیمی، روناک؛ عدلی، فریبا و مهران، گلنار (۱۳۹۴). نقش فرهنگ دانشگاهی بر دانش‌آفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران نظام آموزش عالی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*. ۲۱(۱)، ۱۵۱-۱۲۷.
- بی‌لاوسن، رابرت (۱۳۸۱). *رفتار سازمانی*. ترجمه رمضان حسن‌زاده و همکاران. تهران: ساوالان.
- صباغیان، زهرا (۱۳۸۸). فرهنگ دانشگاهی: یک چارچوب پژوهشی. در *توسعه علمی تا توسعه ملی*. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- ذاکر صالحی، غلامرضا و نظریان، زهرا (۱۳۹۳). جایگاه فرهنگ دانشگاهی و الزامات نهادی علم در زندگی دانشجویی. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱(۳)، ۳۳-۶۹.
- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۷). *مسائل آموزش عالی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

- ذوالفقارزاده، محمدمهدی، امیری، علی نقی و زارعی متین، حسن (۱۳۹۰). کشف فرهنگ دانشگاه: واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۵ (۱)، ۹۷-۴۵.
- زاهدی اصل، محمد (۱۳۸۸). *اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ*. در *توسعه علمی تا توسعه ملی*. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- طایفی، علی (۱۳۷۸). فرهنگ علمی - پژوهشی ایران (بررسی قابلیت‌ها و تنگناها). *رهیافت*، ۲۱، ۵۳-۴۷.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا؛ مطالعه‌ای انسان‌شناختی بر علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران، نامه *انسان‌شناسی*، ۱ (۳)، ۱۳۲-۹۲.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). *فرهنگ و دانشگاه*. تهران: نشر ثالث.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). *منظرهای جهانی و مسأله‌های ایرانی*. تهران: نی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۶). *گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران*. تهران: آگاه.
- قانع‌راد، محمدامین، ملکی، امیر و محمدی، زهرا (۱۳۹۳). مطالعه دگرگونی فرهنگی در سه نسل دانشگاهی (مطالعه موردی: اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴ (۱)، ۶۴-۳۰.
- کاظمی، عباس (۱۳۹۷). *دانشگاه از نردبان تا سایبان*. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- محدثی گیلوایی، حسن (۱۳۹۷). *حکایت دانشگاه*. تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- ممنون، مینا، عدلی، فریبا و صمدی، پروین (۱۳۹۶). نقش فرهنگ دانشگاهی بر سهیم-سازی دانش میان اعضای هیات علمی؛ مطالعه موردی دانشگاه الزهرا (س). *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۳ (۱)، ۴۹-۲۹.
- Bogler, R., & Kremer-Hayon, L. (1999). The socialization of faculty members to university culture and norms. *Journal of further and higher education*, 23(1), 31-40.
- Brint, S., Cantwell, A. M., & Hanneman, R. A. (2008). The two cultures of undergraduate academic engagement. *Research in Higher Education*, 49(5), 383-402.
- Clark, B. R. (1971). Belief and loyalty in college organization. *The Journal of Higher Education*, 42(6), 499-515.

- Muis, K. R., & Sinatra, G. M. (2008). University cultures and epistemic beliefs: Examining differences between two *academic environments*. In *Knowing, knowledge and beliefs* (pp. 137-150). Springer, Dordrecht.
- Patel, P. J. (2012). Academic underperformance of Indian universities, incompatible academic culture and the societal context1. *Social Change*, 42(1), 9-29.
- Quinn, R. E., & Rohrbaugh, J. (1981). A competing values approach to organizational effectiveness. *Public productivity review*, 1, 122-140.
- Shen, X., & Tian, X. (2012). Academic culture and campus culture of universities. *Higher Education Studies*, 2(2), 61.

